فصلنامه تحقیقات سیاسی و بین‌المللی
دانشگاه آزاد اسلامی واحد شهرضا
شماره هفتم - تابستان ۱۳۹۰ / صص ۱۲۴ – ۹۵

عوامل همگرا و واگرا در روابط ایران و ترکیه پس از به قدرت رسیدن حزب اسلام‌گرای عدالت و توسعه در ترکیه (۲۰۰۹-۲۰۰۲)

جلال درخشه[۱] - *مجید دیوسالار*[۲]

تاریخ دریافت: ۹۰/۴/۱۴
تاریخ تصویب: ۹۰/۶/۲۱

چکیده

مقاله‌ی حاضر، روابط ایران و ترکیه را از زمان روی کار آمدن حزب اسلامگرای عدالت و توسعه در ترکیه از سال ۲۰۰۲ میلادی تا سال ۲۰۰۹، مورد بررسی قرار می‌دهد. به همین دلیل سعی شده است تا با تأکید بر متغیرهایی از قبیل تلاش دوکشور ایران و ترکیه برای تبدیل شدن به قدرت منطقه‌ای، نگرش دو کشور به مسائل خاورمیانه، مسأله‌ی هسته‌ای ایران، مسأله‌ی کردها در روابط دو کشور، عوامل مؤثر در بسط و فصل روابط و تأثیر روابط ترکیه با آمریکا و اسرائیل و تحول در روابط ترکیه با این کشورها و تأثیر این متغیرها بر

۱. دانشیار و عضو هیأت علمی گروه علوم سیاسی دانشگاه امام صادق(ع). (j.dorakhshah@yahoo.com)
۲. دانشجوی دکترای روابط بین‌الملل دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات اصفهان. (Mm.divsalar1979@gmail.com)

Archive of SID
www.SID.ir

روابط ایران و ترکیه، همکاری‌های اقتصادی که بخش اعظم روابط دو کشور در این حوزه متجلی است را مورد کنکاش قرار گیرد.

واژه‌های کلیدی: ایران، ترکیه، قدرت منطقه‌ای، خاورمیانه، مسأله‌ی هسته‌ای، آمریکا، اسرائیل، مسأله‌ی کردها.

مقدمه

با نگاه به روابط سال‌های اخیر دو کشور، به خوبی می‌توان دریافت، هرچند ایران و ترکیه، هر دو در پی افزایش نفوذ خود در منطقه البته با استراتژی‌های گوناگون- پیشینه‌ی تاریخی روابط بی‌تنش و مبتنی بر همکاری‌های اقتصادی، سیاسی و امنیتی دو کشور، زمینه‌هایی را فراهم آورده است که این روابط از استحکام کم‌نظیری در سطح منطقه برخوردار باشد. موضوعی که اکنون دوکشور را بیشتر به یکدیگر نزدیک می‌کند، موقعیت ژئوپولتیکی دو کشور در منطقه است. چنین موقعیتی ایران و ترکیه را برای همکاری‌های بیشتر ترغیب می‌کند و بدین‌ترتیب به نظر می‌رسد هرچند روابط گسترده دو کشور نسبت به دیگر همسایگانش از استحکام و ثبات بیشتر برخوردار است، اما برای تداوم و تقویت این روابط، حرکت در راه ایجاد منافع متقابل اقتصادی و در پیش گرفتن راهبردهای سیاسی مکمل در نقش‌آفرینی منطقه‌ای را باید با جدیت دنبال کرد. بنابراین می‌توان گفت که دو کشور ایران و ترکیه دو بازیگر قدرتمند در منطقه پیرامونی خود محسوب می‌شوند که هر کدام اهداف مشخصی را دنبال می‌کنند که عمده‌ی این اهداف هماهنگ و هم‌جهت هستند.

اقدامات یک سال گذشته دولت ترکیه درباره‌ی مناسباتش با اسرائیل به ویژه تَرک نشست داووس از سوی اردوغان، به سبب اعتراض به سخنان رئیس‌جمهور اسرائیل در بحبوحه‌ی جنگ غزه و به دنبال آن، لغو مانور مشترک نظامی ترکیه با اسرائیل، سبب شده است تا مناسبات آنکارا با کشورهای اسلامی، به ویژه ایران وضعیت جدیدی به خود گیرد؛

Archive of SID

www.SID.ir

این موضوع را می‌توان به خوبی در مراودات اخیر، از جمله سفرهای متعدد مقامات دو کشور، مانند سفر احمدی‌نژاد، رئیس‌جمهور به ترکیه دید. ایران، دومین تأمین‌کننده‌ی نفت و گاز (انرژی) ترکیه است و همچنین ترکیه دروازه‌ی مناسبی برای ورود ایران به بازار غرب به ویژه در حوزه‌ی انرژی است؛ این موضوعی است که به نظر می‌رسد، در آینده به عنوان محوری راهبردی در روابط تهران – آنکارا نقش‌آفرینی کند. این وضعیت، ایران و ترکیه را برای همکاری‌های بیشتر ترغیب می‌کند و به این ترتیب، شاید بتوان استقبال مقامات ترکیه از طرح تشکیل اتحادیه‌ی آسیای جنوب غربی را – که در سفر مقامات سیاسی ایران به آنکارا و دیدارهای جداگانه‌با عبدالله‌گل، رئیس‌جمهور، داود اوغلو، وزیر امور خارجه و همچنین وزرای تجارت و صنایع آن کشور مطرح شد– در همین چهارچوب تحلیل‌کرد (رضازاده، ۱۳۸۶).

با توجه به آنچه که گفته شد، سؤالی که در اینجا مطرح می‌شود این است که چه مؤلفه‌هایی بر روابط ایران و ترکیه در دوره‌ی حاکمیت حزب اسلام‌گرای عدالت و توسعه (۲۰۰۹–۲۰۰۲) تأثیرگذار بوده است؟ از آنجا که دو کشور تنها کشورهای غیرعرب در منطقه‌ی خاورمیانه بوده و به لحاظ بنیادهای رفتاری اعم از موقعیت ژئوپلتیکی، وضعیت فرهنگی و قومی با یکدیگر قرابت زیادی دارند؛ در این چارچوب می‌توان گفت که برخی مؤلفه‌ها تحت عنوان عوامل همگرا و واگرا در افزایش یا کاهش رابطه‌ی دو کشور ایران و ترکیه در دوره‌ی زمانی ۲۰۰۹–۲۰۰۲ بر روابط دو کشور تأثیرگذار بوده است.

چارچوب تحلیلی: مجموعه‌های امنیتی منطقه‌ای

مفهوم مجموعه‌های امنیتی منطقه‌ای برای نخستین‌بار توسط باری بوزان در کتاب مردم، دولت‌ها و هراس مطرح گردید. وی بر این باور است از آنجا که سطوح تحلیل ملی و بین‌المللی، نمی‌توانند برای تجزیه و تحلیل مسایل مربوط به منطقه مناسب باشند، فلذا

Archive of SID

www.SID.ir

وجود یک سطح تحلیل میانه برای این منظور ضروری خواهد بود. باری بوزان برای تعریف و مشخص نمودن مجموعه‌های امنیتی منطقه‌ای ویژگی‌هایی را برای آن در نظر گرفته است. در این رابطه وی اشاره دارد که از لحاظ امنیتی، منطقه به معنای شبه‌سیستم مشخص و مشهوری از روابط امنیتی بین مجموعه‌ای از دولت‌ها است که به لحاظ جغرافیایی به یکدیگر نزدیک می‌باشند (سایت تخصصی روابط بین‌الملل و مطالعات منطقه ای، ۱۳۸۹).

دو نکته‌ی مشخص و مهم در این تعریف وجود دارد؛ نخست، وجود شبکه‌ای از روابط امنیتی میان واحدهای سیاسی؛ دوم، وجود نزدیکی جغرافیایی میان اعضای مجموعه.

مجموعه‌های امنیتی منطقه‌ای که باری بوزان مطرح می‌کند، دارای ویژگی‌های زیر است که در تحلیل روابط دوکشور همسایه (ایران و ترکیه) مورد استفاده قرار گیرد.

-یک مجموعه‌ی امنیتی منطقه‌ای دارای مکان و فضای جغرافیایی است و فضا و مکان جایی است که در آن روابط امنیتی متوالی وجود دارد و اعضای مجموعه نیز کشورهایی هستند که به طورگسترده در این روابط حضور دارند مثل ایران، ترکیه و آمریکا (به دلیل حمایت از اسرائیل در خاورمیانه).

-وجود الگوی دوستی و دشمنی شرط اساسی تشکیل یک مجموعه‌ی امنیتی منطقه‌ای است. در این راستا وجود ترس و هراس نسبت به یک موضوع بیش از هر چیزی خود را نمایان می‌کند و به عنوان عاملی چالشی در روابط دو کشور تأثیر می‌گذارد، مثل مطرح شدن مسأله‌ی هسته‌ای ایران یا مسأله‌ی کردها و ثبات در کشور همسایه.

-وابستگی متقابل امنیتی میان گروهی از کشورها که اعضای مجموعه را تشکیل می‌دهند؛ یعنی تأثیر و تأثر اعضای تشکیل دهنده‌ی مجموعه به طوری که هرگونه تغییر و تحول در موقعیت یک بازیگر باعث ایجاد تغییر و تحول در موقعیت سایر اعضای مجموعه می‌گردد.

Archive of SID

www.SID.ir

-همبستگی‌های نژادی و فرهنگی از جمله عوامل تأثیرگذار بر تعیین شکل و ساختار مجموعه‌های امنیتی می‌باشد. مثل عوامل فرهنگی و قومی که به عنوان جزئی از بنیادهای روابط دو کشور ایران و ترکیه می‌باشند.

-نقش عوامل اقتصادی و ژئوپولتیکی در روابط دو کشور یا کشورهای همسایه به عنوان عامل همگرا (بوزان، ۲۱۱:۱۳۷۸).

تلاش برای تبدیل شدن به یک قدرت منطقه‌ای؛ رقابت یا همکاری؟

• **ایران:** در خصوص ایران و تبدیل شدن به یک قدرت منطقه‌ای، تعقیب استراتژی دعوت و تلاش ایران برای تبدیل شدن به ام‌القرای جهان اسلام را می‌توان به عنوان اصلی‌ترین محرکه‌های ایران در این مسیر تلقی کرد. جمهوری اسلامی ایران با توجه به ماهیت ایدئولوژیک نظام حاکم بر آن ازیکسو و توان و پتانسیل فراوان جمعیتی، سرزمینی، اقتصادی، ویژگی‌های خاص ژئوپولتیک و موقعیت استراتژیک آن در خاورمیانه از سوی دیگر طبیعتاً تمایل دارد که به قدرتی مسلط در منطقه تبدیل شده و از این طریق، اولاً دیدگاه‌ها و اهداف ایدئولوژیک سیاست خارجی‌اش را پیش ببرد، ثانیاً از نفوذ دشمنان خود در منطقه جلوگیری کند و ثالثاً به عنوان مدل و الگوی اصلی کشورهای منطقه مطرح شود.

اما مهم‌ترین عاملی که جمهوری اسلامی ایران می‌تواند به آن به عنوان سلاح اصلی و برگ برنده‌ی خود در منطقه تکیه کند، ژئوپولتیک شیعه و تأثیرگذاری عمیق بر شیعیان خاورمیانه می‌باشد. با توجه به جمعیت شیعه‌ای که در منطقه- از پاکستان گرفته تا لبنان- سکونت دارند و تأثیرات جمهوری اسلامی ایران بر این گروه‌های جمعیتی که در برخی از کشورها نیز اکثریت را در اختیار دارند، شرایط منطقه امروزه برای دستیابی ایران به یک موقعیت برتر از هر زمان دیگر مناسب‌تر است (Cetinsaya, 2007: 162-163).

Archive of SID

www.SID.ir

این جریان باعث شده تا حتی متخصصین ترک نیز به ژئوپولتیک شیعه به عنوان یک تهدید منطقه‌ای علیه خود توجه کنند، زیرا تأثیرگذاری ایران بر شیعیان خاورمیانه در کنار امکان دستیابی ایران به توان هسته‌ای می‌تواند توازن منطقه‌ای را شدیداً به نفع ایران تغییردهد. جمعیت شیعه‌ی ترکیه- جعفری‌ها- که تعداد آنها در حدود سه میلیون نفر برآورد می‌شود نیز عامل دیگری برای نگرانی ترک‌ها از تأثیرگذاری ایران در منطقه و بر شیعیان می‌باشد.

مسأله‌ی دیگر در مورد آینده‌ی عراق است که هر دو کشور خواستار تأثیرگذاری بیشتر بر هیأت حاکمه‌ی این کشور هستند و ترک‌ها از تأثیر ایران بر جمعیت قابل توجه شیعه در عراق نگران هستند و نمی‌خواهند این کشور بخشی از هلال شیعی در منطقه باشند.

• **ترکیه**: ترکیه در دوهه‌ی اخیر سعی کرده است خود را به عنوان یک قدرت منطقه‌ای که در مناطق متعددی از قبیل بالکان، آسیای مرکزی، قفقاز، خاورمیانه و حوزه‌ی مدیترانه فعالیت دارد، نشان دهد. این کشور در سازمان‌های بین‌المللی و منطقه‌ای گوناگونی عضویت داشته و همواره سعی نمود خود را به عنوان یکی از اعضای تأثیرگذار این سازمان‌ها معرفی کند. سازمان‌هایی از قبیل ناتو، سازمان همکاری اقتصادی دریای سیاه BSEC، اکو ECO و سازمان کنفرانس اسلامی OIC نمونه‌هایی از این سازمان‌ها می‌باشند (Gareth M , 2007:1).

در دوره‌ی حکومت اسلام‌گرایان توجه دولتمردان ترکیه بیشتر به خاورمیانه معطوف گردیده و سعی داشته‌اند در منطقه‌ی خاورمیانه خود را به عنوان یک قدرت میانی منطقه‌ای مطرح کنند. به لحاظ مفهومی، قدرت منطقه‌ای به کشوری گفته می‌شود که تصمیمات، سیاست‌ها و طرح‌های آن دولت از سوی سایر کشورهای منطقه با دقت و جدیت مورد ملاحظه قرار گیرند.

Archive of SID

www.SID.ir

در مورد ترکیه از عنوان قدرت میانی منطقه‌ای استفاده شد، بدین معنی که این کشور یک قدرت سطح میانی در سیستم جهانی می‌باشدکه در عین حال در منطقه‌ی جغرافیایی خودش، همانند جمهوری اسلامی ایران بازیگر کلیدی است که امکان دستیابی به موقعیت رهبری منطقه را نیز دارد. به اعتقاد برخی از کارشناسان سیاسی، ترکیه به عنوان یک الگو در منطقه‌ی خاورمیانه از طرف دول غربی خصوصاً آمریکا مورد حمایت است، ترکیه به ویژه پس از به قدرت رسیدن حزب عدالت و توسعه، نمونه‌ای از یک کشور اسلامی است که به لحاظ گرایشات دینی، سیستمی میانه‌رو دارد که با لیبرال دموکراسی غربی نیز سازگار است (Ibid).

در حقیقت فعالیت‌های دولت ترکیه در داخل طی چند سال گذشته به ویژه در جهت دموکراسی‌سازی باعث شد تا بسیاری از تحلیلگران چه در منطقه و چه در خارج از آن، از حزب عدالت و توسعه به عنوان یک الگوی دموکراسی اسلامی بحث کنند، به ویژه اینکه در دوران اخیر که از نظر غرب دهه‌ی مبارزه با تروریسم بوده است، فعالیت‌های دموکراتیک حزبی با ریشه‌های اسلامی بسیار جلب‌توجه می‌کنند. به هر حال آنچه مسلم است اینکه ترکیه در دوره‌ی پس از یازده سپتامبر۲۰۰۱ تاکنون با حمایت غرب تلاش کرده تا خود را به عنوان یک قدرت منطقه‌ای نشان دهد اما این قدرت یک قدرت منطقه‌ای بی‌آزار است و نه یک قدرت منطقه‌ای زورگو، که سعی دارد نقشی سازنده در منطقه داشته باشد (Onis, 2007: 17).

براساس تئوری مجموعه‌های امنیتی باری بوزان در خصوص روابط ایران و ترکیه بایدگفت که اولاً هر دو کشور سعی می‌کنند در منطقه شبکه‌ای از همکاری‌های سیاسی، اقتصادی و امنیتی را با بازیگران دولتی و حتی غیردولتی آن منطقه یا بازیگران فرامنطقه‌ای که در منطقه حضور دارند شکل دهند و این شبکه را رهبری نمایند.

Archive of SID

www.SID.ir

ثانیاً، هر دو کشور ایران و ترکیه سعی می‌کنند خود را به عنوان یک مدل برای توسعه‌ی اقتصادی و بسط دموکراسی برای کشورهای منطقه معرفی نماید.

ثالثاً، براساس چارچوب مطرح شده وجود شبکه‌ای از روابط امنیتی میان واحدهای سیاسی و قرابت جغرافیایی میان کشورهای منطقه؛ ثبات در خاورمیانه، عراق، فلسطین، افغانستان و پاکستان شرط اساسی برای ایران و ترکیه در توسعه‌ی روابط می‌باشد که در واقع می‌توان این پارامترها را به عنوان ایده‌آل‌های دو کشور در روابط خارجی ذکر نمود.

نگرش ترکیه و ایران به مسائل خاورمیانه

الف) فلسطین و اسرائیل

برای بررسی رویکرد دو کشور به مسائل خاورمیانه انجام یک مقایسه در این زمینه در دوره‌های متفاوت قبل از به قدرت رسیدن حزب اسلام‌گرای عدالت و توسعه و پس از آن نیازمند شناخت استراتژی‌های این کشورها در خاورمیانه به ویژه مشی سیاسی و امنیتی ترکیه در دوره‌های متفاوت سیاسی است. در این راستا باید گفت که ترکیه در سال‌های قبل از حکومت حزب اسلام‌گرای عدالت و توسعه توجه چندانی به مسائل خاورمیانه نداشت و در واقع دستگاه سیاست خارجی ترکیه در آن دوران تا حدود زیادی از خاورمیانه چشم پوشی می‌کرد (Semih, 2009: 71-72).

ترک‌ها با توجه به گذشته‌ی تاریخی‌ای که با اعراب داشته‌اند و مشکلاتی که در جریان جنگ جهانی اول توسط اعراب برای ترک‌ها به وجود آمد، سال‌ها هیچ علاقه‌ای به ایجاد رابطه با اعراب نشان نمی‌دادند و حتی در مواردی چون بابراسمیت شناختن رژیم اسرائیل در سال ۱۹۴۹ و نیز موضع‌گیری علیه الجزایر در جریان درگیری‌های فرانسه و الجزایر، ترکیه همواره خود را در مقابل جبهه‌ی اعراب قرار داده است. این وضعیت تا دهه‌ی ۱۹۸۰ ادامه داشت. اما از این زمان به بعد سیاست خاورمیانه‌ای ترکیه در اثر

Archive of SID

www.SID.ir

شکل‌گیری پ.ک.ک دچار تغییراتی گشت و روابط با سوریه و ایران (در برخی مقاطع) نیز تحت تأثیر این مسأله تیره گشت (Ibid: 74).

لیکن این وضعیت در چند سال گذشته کاملاً، دگرگون شده و ترکیه روابط خود را با کشورهای خاورمیانه از جمله ایران گسترش داده و حضوری فعال در مسائل منطقه داشته است. ترکیه در مورد مسأله‌ی امنیتی از قبیل فلسطین دیدگاهی کاملاً متفاوت دارد؛ در شرایطی که ترکیه در سال‌های اخیر سعی کرده به عنوان یک میانجی به روند صلح خاورمیانه و مسائل جاری در خاورمیانه کمک کند و میان اسرائیل با سوریه، لبنان و گروه‌های فلسطینی توافق ایجاد نماید، در خصوص جنایات اسرائیل در غزه و جنگ سی و سه روزه‌ی اسرائیل با لبنان، ترکیه در سیاست خارجی خود و در روابطش با اسرائیل تغییراتی اساسی داده است که این مسأله اخیراً باعث شد تا روابط دو کشور به مرحله‌ی عدم رعایت نزاکت سیاسی در سطح سفارت بین سفرای دو کشور- ابتدا از جانب اسرائیل- به موضع‌گیری و بحران تبدیل گردد. این توصیف حاکی از آن است که ترکیه با تغییر موضع در مقابل اسرائیل، جهت خود را با تغییر معیارهای قدرت در منطقه که در حال شکل‌گیری هستند، هماهنگ می‌کند و این حکایت از آن دارد که ترکیه با قدرت و اعتماد به نفس بیشتری وارد معادلات سیاسی شده است و با دولت منتسب به اسلام خود، جایگاه بهتری را در بین کشورهای اسلامی مسلمان منطقه جستجو می‌کند. ترکیه همچنین در ماه‌های اخیر با نزدیکی به اردوگاه کشورهای کوچک و عربی منطقه از قبیل سوریه، اردن، کویت و عربستان وزن بیشتری برای خود در میانجی‌گری برای حل مسائل منطقه رقم زده است. شرایط داخلی در ترکیه و اصلاحاتی که این کشور در سیاست خارجی خود انجام داده و از آن به عنوان انقلاب آرام یاد شده، موقعیت خاصی را برای ترکیه رقم زده است تا تجربیات خود را در اختیار کشورهای منطقه قرار دهد. بنابراین با توجه به عملکرد و سیاست‌های گذشته دولت آنکارا، طبیعی است که ترکیه به عنوان متحد استراتژیک

Archive of SID

www.SID.ir

آمریکا در تلاش برای ایفای نقشی فعال در اجرای طرح خاورمیانه بزرگ باشد. به زعم دولت آنکارا ویژگی نظام حکومتی لائیک ترکیه، ژئوپولتیتک این کشور و روابط راهبردی آن با آمریکا و اسرائیل از جمله فاکتورهایی هستند که آمریکا را ترغیب به متقاعد کردن ترکیه برای تلاش در جهت تسهیل در اجرای طرح خاورمیانه بزرگ می‌کند (کاکائی، ۱۳۸۷: ۱۴۵).

لذا در طرح خاورمیانه‌ی بزرگ مطرح شده از جانب آمریکا، ترکیه نقشی ویژه دارد. در واقع دلایل اصلی اینکه واشنگتن مایل است نظام سیاسی ترکیه را به عنوان الگویی برای کشورهای خاورمیانه‌ی بزرگ اشاعه دهد، عبارتند از:

- مشی ترکیه مبنی برحل مناقشات منطقه‌ای مبتنی بر رویکرد حل مسأله به صورت پویا.
- جدایی دین و سیاست در سیستم لائیک ترکیه که موافق نظرآمریکا است.
- پیشینه‌ی ترکیه در گسترش مناسبات با اسرائیل که کاملاً مدنظرآمریکا است.
- موفقیت ترکیه در پیاده کردن الگوی دموکراسی‌سازی در این کشور.
- همخوانی پروژه‌ی ملت‌سازی در خاورمیانه با تجربه‌ی ترکیه (همان: ۱۴۷-۱۴۶).

در شرایطی که ترکیه در سال‌های گذشته به ویژه در پی تشکیل دولت اردوغان و عبدالله‌گل، دچار تغییرات اساسی در سیاست‌های داخلی و خارجی‌اش شده است، به همین ترتیب ایران نیز تغییرات قابل توجهی در ابعاد سیاسی داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی به خود دید.

با آغاز ریاست جمهوری محمود احمدی‌نژاد، دیدگاه وی در مورد مسائل بین‌المللی و منطقه‌ای نشانه‌ای برآغاز دوره‌ای جدید در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران بودکه بیش از گذشته ایران را در نقطه‌ی مقابل قدرت‌های جهانی قرار داده است. از سوی دیگر همزمانی این دوره با حملات آمریکا به دو کشور عراق و افغانستان در پی حادثه‌ی ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ باعث شد تا ایران به نحوی در محاصره قرار گرفته و به دلیل فعالیت‌های

Archive of SID

www.SID.ir

هسته‌ای‌اش، بیش از پیش تحت فشار قرار گیرد. اما دولت ایران با مقاومت در برابر این فشارها نه تنها از مواضع خود عقب‌نشینی نکرد، بلکه با انتقادات شدید از مواضع دوگانه‌ی دول غربی، به سکوت آنها در برابر اسرائیل و برخورد متفاوت آنها در ارتباط با تسلیحات هسته‌ای این کشور اعتراض کرده و در ضمن با رد کلیه‌ی ادعاهای دول غربی برنامه‌ی هسته‌ای خود را کاملاً مسالمت‌آمیز معرفی نموده است. از نظر متخصصین ترکِ روابط بین‌الملل، اینها بخشی از تلاش ایران برای معرفی خود به عنوان رهبر خاورمیانه و حتی کل جهان اسلام بوده است. از منظر ترک‌ها سیاست‌های دولت آقای احمدی‌نژاد در منطقه نیز به گونه‌ای بود که تلاش ایران برای ایفای نقش به عنوان قدرت برتر منطقه‌ای را اثبات می‌کند، از آن جمله می‌توان به موارد زیر اشاره نمود:

- ایجاد ارتباط با بازیگران متفاوت و حتی بعضاً متضاد فعال در عراق.
- تنش‌زدایی در روابط خود با برخی کشورهای همسایه.
- تلاش برای افزایش نفوذ در آسیای میانه و قفقاز.
- حمایت از گروه‌های مقاومت فلسطین به ویژه حماس و تأثیرگذاری بر مسائل فلسطین.
- روابط گسترده با حزب‌اله لبنان و سایر گروه‌های مقاومت و کسب توانایی تأثیرگذاری بر سرنوشت لبنان.
- بررسی ظرفیت‌های افزایش همکاری با چین و روسیه (Aras, 2009: 78 - 79).

ایران در خاورمیانه براساس نگرش به مسائل امنیتی، با اساس موجودیت اسرائیل مخالف بوده و هرگونه تلاش برای ایجاد مذاکره بین اسرائیل با هر یک از کشورهای منطقه اعم از سوریه، لبنان و فلسطین را تهدیدی علیه خود و منطقه تلقی می‌کند. درواقع مشی ایران در خاورمیانه شدیداً در چارچوب دیدگاه‌های تجدیدنظر طلبانه قرار دارد (Ibid: 81).

Archive of SID

www.SID.ir

سیاست دو کشور ایران و ترکیه درباره‌ی عراق دارای یک نقطه اشتراک بسیار مهم است که می‌تواند به یک همکاری سرنوشت‌ساز میان تهران و آنکارا درباره‌ی عراق جدید بیانجامد. هر دو کشور بشدت خواهان حفظ تمامیت ارضی و یکپارچگی عراق بوده و با هرگونه تلاشی برای تجزیه- احتمالاً آنچه در دستور کار آمریکا قرار دارد- مخالف هستند. ایران عقیده دارد که حفظ اقتدار همسایه‌ی شیعه‌اش بیش از هر چیز دیگر در گرو یکپارچه ماندن آن است و در صورتی که رویکردهای تجزیه‌طلبانه در عراق مجال طرح بیابد، این کشور را به کام چنان بحران و نامنی فرو خواهد برد که کشورهای بزرگ منطقه و به ویژه همسایگان عراق باید تا سال‌ها تاوان آنرا بپردازند(Keskin, 2008: 50&56).

ب) عراق

سیاست‌های ترکیه در ارتباط با عراق تحت تأثیر دو تهدید بالقوه شکل گرفته است:

اولاً، ترکیه همواره نگران آن است که شکل‌گیری یک دولت مستقل یا خود مختار کرد در شمال عراق بر تحرکات جدایی‌طلبانه‌ی کردهای ترکیه تأثیرگذار باشد.

ثانیاً، ترکیه نگران آن است که وجود یک دولت مرکزی ضعیف در عراق باعث می‌شود که گروهک پ.ک.ک از شمال عراق به عنوان مکانی امن برای سازماندهی و انجام حملات به داخل خاک ترکیه استفاده کند. علاوه بر این دو عامل، دولت ترکیه علاقه‌مند است تا عراق دارای یک حکومت مرکزی قدرتمند باشد که در عین ایجاد ثبات اقتصادی و سیاسی در داخل کشور، به عنوان وزنه‌ای برای مهار قدرت‌یابی ایران در منطقه نیز مطرح گردد (Ibid: 57).

موارد مذکور در سیاست خارجی ترکیه نسبت به عراق را طی دو دهه‌ی گذشته شکل داده است و از نظر سیاستمداران ترکیه تمامیت ارضی عراق همواره به عنوان یک خط قرمز برای ترکیه مطرح بوده است. بر مبنای سیاست خارجی جدید ترکیه (از سال ۲۰۰۲ تا ۲۰۰۹) در خاورمیانه این کشور نسبت به تحولات در عراق برخوردی منعطف‌تر

Archive of SID

www.SID.ir

دارد. ترکیه در سال‌های اخیر تلاش نموده است با تمامی گروه‌های عراقی بدون توجه به مسائلی چون قومیت، مذهب و اتفاقات گذشته پای میز مذاکره بنشیند که با مشی سنتی سیاست خارجی ترک‌ها کاملاً متفاوت است و بدینوسیله ملاحظه می‌شود که بسیاری از خط قرمزهای مناطق ترکیه کنار گذاشته شده است. تا حدودی بر پایه‌ی همین تفکر بود که ترک‌ها به نیروهای ائتلاف تحت رهبری آمریکا نپیوستند و در اشغال عراق شرکت نکرده و نقش ایفا ننمودند و به جای آن در سال‌های اخیر از طریق دیپلماتیک در تلاش بوده‌اند تا یک دیدگاه مشترک را در میان کشورهای منطقه خصوصاً همسایگان عراق ایجاد کنند که از روند ایجاد ثبات در داخل عراق حمایت شود. در راستا و تکمیل این مسأله بود که در اواخر سال ۲۰۰۹ میلادی ترکیه مناسبات دیپلماتیک خود را با عراق پویا نمود و سفارت خود در این کشور را بازگشایی کرد (Flanagan, 2008: 9).

اما سیاست‌های ایران در خصوص عراق را اینگونه می‌توان تشریح نمودکه انجام تحولات سیاسی در عراق و به قدرت رسیدن شیعیان در این کشور، چشم‌انداز قدرت و سیاست در منطقه‌ی خاورمیانه و خلیج‌فارس را تحت تأثیر قرار داده است. فوری‌ترین نتیجه‌ی این تحولات، افزایش حوزه‌های ظرفیت‌سازی در سیاست خارجی ایران نه تنها در روابط با عراق بلکه در روابط با ترکیه،کشورهای حاشیه‌ی جنوبی منطقه‌ی خلیج‌فارس، جهان عرب و قدرت‌های بزرگ می‌باشد. امری که در قالب نگرانی‌های جهان عرب از یکطرف و ترکیه و سایرکشورهای منطقه از طرفی دیگر، از شکل‌گیری هلال شیعی و در نزد قدرت‌های خارجی از افزایش نقش و نفوذ ایران در سطح منطقه یاد می‌شود. همزمان با افزایش نقش ایران، خروج عراق از حالت یک بازیگر تهدیدآمیز و همچنین روند تغییر شکل ماهیت تهدیدات امنیتی در شرایط جدید، ضرورت شکل‌گیری نظام امنیت منطقه‌ای مبتنی بر ویژگی‌ها و تحولات جدید سیاسی اجتناب‌ناپذیر گردیده است. اهمیت تحولات جدید به دلیل ورود پررنگ عنصر شیعه در تقویت روابط ایران و عراق و تأثیرات آن بر

Archive of SID

www.SID.ir

شکل قدرت و سیاست در منطقه‌ی خلیج‌فارس است. از نظر نویسنده تقویت و حمایت ایران از نقش عنصر شیعه در عراق جدید نه صرفاً براساس تقویت زمینه‌های ایدئولوژیک بلکه در جهت استراتژیک کردن نقش شیعیان در تحولات قدرت و سیاست منطقه و از این طریق تثبیت و تقویت نقش و نفوذ ایران درحوزه‌های رقابت و نفوذ در منطقه‌ی خاورمیانه و به خصوص منطقه‌ی خلیج‌فارس می‌باشد. منطق این استدلال این است که بازی‌های آینده در منطقه‌ی خاورمیانه نه صرفاً براساس ایدئولوژی‌ها بلکه برای تثبیت حوزه‌های نفوذ و نقش‌ها صورت می‌گیرد. طبیعی است جمهوری اسلامی ایران به عنوان مهمترین بازیگر این منطقه سعی در تثبیت نقش خود در این روند انتقالی دارد. از این لحاظ جایگاه عراق جدید در حوزه‌ی سیاست خارجی ایران براساس فراهم آوردن زمینه‌های فرصت‌سازی در جهت شکل‌گیری نظام امنیت جدید منطقه‌ای قابل تعریف است (واعظی، ۶۶:۱۳۸۷).

عوامل همگرا در روابط ایران و ترکیه در دوران حکومت حزب اسلام‌گرای عدالت و توسعه

ایران و ترکیه دو بازیگر قدرتمند در منطقه پیرامونی خود محسوب می‌شوند که هر کدام اهداف مشخصی را دنبال می‌کنند. برقراری روابط گرم و صمیمی میان دو همسایه‌ی قدرتمند از اهمیت بالایی برخوردار است و مؤلفه‌های مختلفی بر مناسبات آنها تأثیرگذار است.

در مجموع می‌توان گفت دو کشور ایران و ترکیه در دوره‌ی زمانی۲۰۰۲ تا ۲۰۰۹ بهترین روابط دوجانبه‌ی خود را از ۱۹۷۹ به بعد تجربه می‌کنند (به استثنای دوران کوتاه مدت دولت اربکان) در دوران اخیر، بسیاری از مسائل دوجانبه حل شده و مواردی چون مسأله‌ی کردها که سال‌ها عاملی برای تعارض مناسبات دو کشور بود، امروزه تبدیل به زمینه‌ای برای همکاری شده‌اند (برزگر، ۱۳۸۷).

Archive of SID

www.SID.ir

- **عامل اقتصادی و حمل و نقل**

وابستگی‌های متقابل در نتیجه‌ی افزایش همکاری‌های دو کشور در زمینه‌های اقتصادی در سال‌های اخیر اهمیتی ویژه داشته، همکاری‌ها و سرمایه‌گذاری‌های مشترک افزایش یافته و ایران از مسیر ترکیه به عنوان بهترین راه ترانزیت کالا به اروپا و متقابلاً ترکیه برای ترانزیت کالا به آسیای مرکزی از مسیر ایران استفاده می‌کند. احداث خط آهن اکو به عنوان یکی از مهمترین پروژه‌های مشترک دو کشور در دوران اخیر بوده که با همکاری ایران، ترکیه و پاکستان طراحی و ساخته شده است (رضازاده، ۱۳۸۶).

ترکیه به دلیل وزن منطقه‌ای ایران و اینکه ایران تولیدکننده و معبر منابع انرژی می‌باشد و اهمیت این امور برای ترکیه، روابط با ایران را جدی گرفته است که یکی از مهمترین ابعاد این روابط مناسبات تجاری و اقتصادی می‌باشد. در این راستا سازمان همکاری اقتصادی- اکو- از اهمیت خاصی در روابط بین دو کشور و تأمین ثبات و امنیت در منطقه و جهان برخوردار است. ترکیه به لحاظ موقعیت ژئوپولتیک و درک و اهمیت این موقعیت و نقش منطقه‌ای خود، بر لزوم حفظ رابطه‌ی نزدیک با همسایگان خود، به خصوص با جمهوری اسلامی ایران وقوف دارد و سازمان همکاری اقتصادی را قالب مناسبی برای اجرای این سیاست می‌داند. مقامات ترکیه در تلاش هستند تا با محور قلمداد کردن نقش خود در سازمان اکو، ترکیه را به عنوان حلقه‌ی واسطه بین سازمان همکاری‌های اقتصادی اکو، جامعه اروپا و سایر پیمان‌های منطقه‌ای جا بیندازند (Cetinsaya, 2007: 18).

- **مسأله‌ی هسته‌ای ایران و موضع ترکیه**

یکی از مسائل مهمی که در چند سال اخیر بر روابط ایران و ترکیه سایه گسترانیده است، موضوع مسأله‌ی هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران بوده است. در این سال‌ها با وجود تلاش محافل غربی در جهت معرفی دستیابی ایران به فناوری هسته‌ای به‌عنوان تهدیدی علیه

Archive of SID

www.SID.ir

کشورهای منطقه، از جمله ترکیه، مسؤلان ترک همواره سعی کرده‌اند در مسأله‌ی هسته‌ای ایران موضعی مستقل از آمریکا و سایر قدرت‌ها اتخاذ نمایند. دولت ترکیه مکرراً اعلام کرده است که با دستیابی ایران به فناوری صلح‌آمیز هسته‌ای هیچ مخالفتی ندارد و صرفاً با سلاح‌های هسته‌ای مخالف است. آنها تأکید کرده‌اند که مسأله‌ی هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران بایستی در چارچوب مسالمت‌آمیز و از طریق مذاکره با نهادهای بین‌المللی مسؤل از قبیل آژانس بین‌المللی انرژی اتمی IAEA و سازمان ملل متحد حل شود، لذا ترکیه در این مسأله همواره موضعی نرم داشته است، اگرچه در عین حال از تأثیرات منفی گسترش این بحران نیز نگران بوده است (رضازاده، ۹:۱۳۸۶).

ترکیه قطعاً از شکل‌گیری یک ایران مسلح به توان هسته‌ای نگران خواهد شد، زیرا این مسأله باعث خواهد شد، ایران در سه منطقه‌ی آسیای مرکزی، قفقاز و خاورمیانه برتری قابل توجهی نسبت به ترکیه پیدا کند. همچنین در این شرایط همکاری ایران با روسیه می‌تواند تهدیدی علیه منافع ترکیه باشد. یا اینکه ایران ممکن است در ارتباط با مسائل دریای خزر و منابع نفتی این منطقه مواضعی تندتر علیه جمهموری آذربایجان اتخاذ نماید که به ویژه سیاست‌های ترکیه را در حوزه‌ی انرژی تحت‌تأثیر قرار دهد. همچنین احتمال دارد که فعالیت‌های هسته‌ای ایران باعث اتخاذ مشی مشابهی از سوی کشورهای عرب منطقه شود که این مسأله امنیت منطقه را پیچیده‌تر از گذشته ساخته و ترکیه را نیز درگیر این معمای امنیتی کند (Keskin, 2007: 54).

ترکیه در سال ۲۰۰۶ و در پی فعال شدن گروه ۵+۱ در موضوع هسته‌ای ایران اعلام کرد برای تضمین صلح‌آمیز بودن فعالیت‌های ایران، مناسب است که جامعه‌ی بین‌المللی نظارتی تمام و کمال بر تأسیسات هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران داشته باشد، اما علی‌رغم تمام این مسائل، دولت ترکیه همواره تأکید کرد که انجام یک حمله‌ی نظامی حتی در شکل

Archive of SID

www.SID.ir

محدود آن می‌تواند عاملی برای به وجود آمدن بحران در کل منطقه باشد، فلذا بایستی تنها از مجاری دیپلماتیک در جهت حل مسأله تلاش شود (Ibid: 55).

دولت ترکیه همچنین بارها پیشنهاد میانجی‌گری بین ایران و گروه ۵+۱ را برای حل مشکلات فی‌مابین ارائه کرده است که در دیدار با مسؤلین بلند پایه‌ی طرف‌های دیگر در پرونده‌ی هسته‌ای در جریان سفرهای دیپلماتیک در تهران و آنکارا تحرکاتی در این زمینه صورت گرفته است تا جایی که اخیراً با مطرح شدن مسأله‌ی عهده‌دار شدن میانجی‌گری ترکیه بین ایران و گروه ۵+۱ در خصوص مبادله‌ی سوخت هسته‌ای در کشور ترکیه، از سوی ایران چراغ سبز و اعلام موافقت با آن صادر شده است.

- **مسأله‌ی کردها**

امنیت به عنوان مؤلفه‌ای تفکیک‌ناپذیر، در مشارکت راهبردی منطقه‌ای است؛ به عبارتی امنیت کل منطقه، امنیتی واحد محسوب شده و قابل تفکیک و تجزیه نبوده و هرگونه آسیبی به یکی از کشورها، باعث آسیب به کل منطقه خواهد شد. درواقع آن چیزی که باری بوزان در تئوری مجموعه‌های امنیتی منطقه‌ای خود مطرح نموده است.

بر این اساس آن کشورهای منطقه باید با همکاری‌های گسترده‌ی امنیتی از قبیل کنترل مرزها، تبادل اطلاعات، استرداد مجرمان و تفاهم نامه‌های امنیتی دو جانبه در راستای همسان‌سازی امنیت منطقه تلاش می‌کنند که همکاری‌های ایران و ترکیه از جمله آن است.

بحران کرد مهمترین چالش دولت ترکیه در سه دهه‌ی گذشته بوده است که دولت کنونی ترکیه حل این معضل را بدون جلب همکاری ایران ناممکن می‌بیند و از سوی دیگر با در نظر داشتن امکان تأسیس یک دولت کرد در منطقه، هرگونه تلاش برای ایجاد بی‌ثباتی در ایران را خلاف منافع و امنیت ملی خود دانسته و از ثبات و حاکمیت در ایران حمایت می‌کند (Aras. Bulent & Biakarakayad Plot, 2009 :89).

Archive of SID

www.SID.ir

در این چارچوب، می‌توان اذعان داشت که مسأله‌ی کردها چه بسا مهمترین عامل شکل دهنده‌ی روابط امنیتی ایران و ترکیه از گذشته تاکنون بوده است، این عامل در دوره‌های زمانی مختلف بعضاً زمینه‌ای برای همکاری و در برخی مواقع نیز عاملی برای تعارض دو کشور بوده است. در پی جنگ خلیج‌فارس در سال۱۹۹۱، گروه‌های کرد عراقی موفق شدند، یک منطقه‌ی خودمختار را در شمال عراق ایجاد کنند و سعی کردند از خلاء قدرت به وجود آمده برای ایجاد یک دولت مستقل کرد استفاده کنند. طبیعتاً این تحولات هم برای ایران و هم برای ترکیه از اهمیت قابل توجهی برخوردار است (Cetinsaya, 2007: 183).

در سال‌های اخیر و فضای بین‌المللی پس از ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ و دیدگاه مقابله با تروریسم و نیاز دو کشور ایران و ترکیه به همکاری در مقابله با تهدیدات امنیتی جدایی طلبانه در پی افزایش این قبیل فعالیت‌ها در مناطق مرزی جمهوری اسلامی ایران باعث به وجود آمدن همکاری‌های امنیتی بین ایران و ترکیه در مقابله با گروهک‌های جدایی طلب شد. لذا در دوره‌ی اخیر به ویژه از سال ۲۰۰۳ تاکنون، دو کشور همسویی گسترده ای در مبارزه با گروهک‌های جدایی‌طلب کرد یعنی پ.ک.ک (P.K.K) و پژاک (PJAK) نشان داده‌اند. بُعد مهم دیگر نیز همکاری دو کشور برای مجاب نمودن دولت مرکزی عراق و حکومت خودمختار کردستان عراق جهت عدم حمایت و حتی مبارزه با گروهک های کرد معاند بوده است، زیرا همانطوری که گفته شد خلاء قدرت به وجود آمده در شمال عراق چه بسایکی از اصلی‌ترین عوامل به وجود آمدن این مسائل امنیتی برای ایران و ترکیه در سال‌های اخیر بوده است. اما مهمترین ملاک در زمینه‌ی توسعه‌ی همکاری‌های امنیتی- نظامی دو کشور در این دوران، امضای قرارداد امنیتی از سوی وزرای کشور ایران و ترکیه در سال ۲۰۰۸ و پس از ۳ سال کار کارشناسی و ۱۲ دور مذاکرات امنیتی می‌باشد که تفاهم‌نامه مذکور در فروردین ۱۳۸۷ به تصویب مجلس شورای اسلامی ایران نیز رسید (Daphne, 2009: 93).

Archive of SID

www.SID.ir

دو کشور غیرعرب منطقه

ایران و ترکیه اگرچه دارای تفاوت‌های فراوان هویتی می‌باشند، لیکن هر دو کشور از یک بعد مشابه یکدیگر و متفاوت با غالب کشورهای منطقه هستند و آن غیرعرب بودن و مشکلات تاریخی هر دو کشور با اعراب می‌باشد که باعث می‌گردد در مقاطعی اعتماد به یکدیگر را بر اتکای به کشورهای عرب ترجیح می‌دهند.

- **همکاری در چارچوب سازمان‌های منطقه‌ای و بین‌المللی**

سازمان اکو به عنوان نمودی آشکار از همکاری‌های منطقه‌ای مطرح است، این سازمان اگرچه در مقاطعی همراه با فراز و نشیب‌هایی بوده است ولی از سال ۱۹۸۵ تاکنون همچنان پابرجا باقی‌مانده و در زمینه‌های سیاسی، فرهنگی و اقتصادی عاملی برای افزایش تفاهم منطقه‌ای بوده است که هر دو کشور ایران و ترکیه درصدد دستیابی به نقش محوری در این سازمان هستند. همچنین سازمان کنفرانس اسلامی به عنوان نهادی که هر دو کشور از اعضای فعال آن به شمار می‌روند در تعمیق روابط اثرگذار بوده است. در چارچوب گروه D-8 نیز دو کشور ایران و ترکیه که به عنوان اعضای مؤسس و محوری مطرح هستند، روابط گسترده‌ای دارند که دارای ظرفیت فراوانی برای پیشبرد منافع مشترک جمعی دارا می‌باشند و می‌توانند نقش مؤثری در ساختار اقتصادی جهان داشته باشند.

ترکیه اروپایی (روند عضویت ترکیه در اتحادیه اروپا)

امکان عضویت ترکیه در اتحادیه اروپا از سوی محافل سیاسی ایران به عنوان یک فرصت تلقی گردیده و روابط مثبت با یک عضو اتحادیه اروپا که در همسایگی جمهوری اسلامی ایران قرار داشته باشد، می‌تواند شرایط ایده‌آلی در زمینه‌های همکاری اقتصادی و سیاسی با اتحادیه اروپا برای ایران فراهم کند، لذا ایران همواره از روند عضویت ترکیه در اتحادیه اروپا حمایت کرده و ترکیه نیز از این موضع‌گیری ایران رضایت داشته است (Ibid: 91).

Archive of SID

www.SID.ir

اگرچه بایستی توجه داشته باشیم که عضویت ترکیه در اتحادیه اروپا می‌تواند پیامدهای منفی نیز برای ایران داشته باشد، این پیامدهای منفی مربوط است به ضرورت هماهنگی قوانین تجاری ترکیه با معیارهای اتحادیه اروپا که می‌تواند باعث کاهش واردات ترکیه از ایران در برخی موارد شود. اما در عین حال پیامدهای مثبت این مسأله که مربوط به اقدام ترکیه در چارچوب و قالب اتحادیه اروپا و پذیرش تعهدات در این راستا است که به نوبه‌ی خود می‌تواند باعث کاهش نوسانات اقتصادی و تجاری دو کشور شود، بسیار به نفع جمهوری اسلامی ایران خواهد بود (قهرمانپور، ۱۳۸۵ و سایت آفتاب نیوز www:AftabNews.ir).

شکست طرح انزوای ایران

یکی از مهمترین دستاوردهای روابط حسنه‌ی ایران با کشورهایی چون ترکیه در دوره‌ی زمانی کنونی، بی‌اثر کردن تلاش‌های دشمنان به سرکردگی آمریکا برای انزوای جمهوری اسلامی ایران می‌باشد. این مسأله در عین حال که از ورود ترکیه به صف مخالفان ایران جلوگیری می‌کند، تلاش‌های غرب برای ایجاد یک جبهه‌ی سنی با تحریم‌های بین‌المللی علیه ایران بوده و در شرایط به وجود آمدن یک جنگ احتمالی علیه ایران، عدم همراهی ترکیه با دشمنان برای ایران بسیار مهم خواهد بود. ضمناً ایران در چنین شرایطی می‌تواند از تأثیر ترکیه بر آمریکا، اتحادیه اروپا، اسرائیل و ناتو به نفع خود استفاده کند.

افکار عمومی ترکیه

اما مهمترین عامل در روابط رو به گسترش و همکاری دو کشور، افکار عمومی در ترکیه می‌باشند که با هرگونه فعالیت و همکاری ترکیه با ایالات متحده آمریکا در یک حمله‌ی احتمالی که همیشه صحبت از آن می‌باشد، مخالف بوده و معتقد به حفظ بی‌طرفی ترکیه می‌باشند، تاریخچه‌ی فعالیت‌های ایالات متحده آمریکا در خاورمیانه از نظر افکار عمومی

Archive of SID

www.SID.ir

ترکیه نشانه متضرر شدن ترکیه می‌باشد، به همین علت ترک‌ها چه با عملیات نظامی و چه با تحریم‌های اقتصادی علیه ایران شدیداً مخالف هستند (Aras, 2009: 77&79).

عوامل واگرا در روابط ایران و ترکیه در دوران حکومت حزب اسلام گرای عدالت و توسعه

همان‌گونه که زمینه‌های مثبت همکاری و فرصت‌ها در روابط دو کشور ایران و ترکیه موجود است، تهدیدات و چالش‌هایی نیز در این رابطه وجود دارند که در این زمینه می‌توان به مواردی اشاره نمود:

- **هویت‌های متفاوت**

با توجه به سیر تاریخی روابط دو کشور، ایران و ترکیه همواره دچار فراز و فرودهایی در روابط‌شان با یکدیگر بوده‌اند و علی‌رغم اینکه نیاز به همکاری به ویژه در زمینه‌های اقتصادی و تجاری همیشه وجود داشته است، رقابت و حتی در مواردی تعارض نیز بخشی از تاریخ روابط دو کشور را به خود اختصاص داده، اما اگر بخواهیم علت اصلی وجود مشکلات هرچند مقطعی در روابط دو کشور را شناسایی کنیم، شاید تفاوت‌های هویتی ویژه در مورد نظام‌های حاکم در دو کشور را بتوان اصلی‌ترین مسأله و مشکل موجود میان آنها دانست. بحث شیعه و سنی در مقاطعی طولانی مهمترین عامل تأثیرگذار در روابط دو کشور بوده است.

بحث فارس و ترک و نظام سلطنتی (مونارشی) در ایران و نظام جمهوری در ترکیه نیز در مقاطعی به عنوان تفاوت‌های هویتی دو کشور ظاهر شده است. اما مهمترین نقطه‌ی افتراق پس از انقلاب اسلامی ایران در ۱۹۷۹ تاکنون به وجود آمد که در ایران دین به عنوان اصلی‌ترین مرجع و اساس حکومت قرار گرفت در حالی‌که در ترکیه و نظام لائیک آن همواره در پی دور کردن عنصر مذهب از سیاست بود. از سوی دیگر ترک‌ها همواره به

Archive of SID

www.SID.ir

دنبال نزدیک شدن به فرهنگ غرب و نمایش هویتی غرب از خود بوده‌اند، لیکن ایران پس از انقلاب عمیقاً هویتی ضدغربی پیدا کرده است. این در حالی است که باید توجه داشته باشیم که اگرچه دولت کنونی ترکیه از اعضای اسلام‌گرا تشکیل شده است، اما از یک‌سو همچنان نظام حاکم بر این کشور لائیک بوده و از سوی دیگر تلقی سیاسیون ترکیه از اسلام و نقش آن در سیاست کاملاً متفاوت با نگاه مسؤلان جمهوری اسلامی ایران می‌باشد.

نگاه متفاوت به مسائل جهانی و منطقه‌ای

از ابتدای تأسیس جمهوری اسلامی در ایران، مسؤلین نظام، مبارزه با امپریالیسم و ایستادگی در برابر سلطه‌جویی‌های شرق و غرب را به عنوان سرلوحه‌ی برنامه‌های ایران در سیاست خارجی‌اش تعریف کرده‌اند، بر این اساس آمریکا و اسرائیل بزرگترین دشمنان ایران در جهان و منطقه هستند، اما در آن طرف، ترکیه روابطی چنان نزدیک با آمریکا برقرار کرد که می‌توان این کشور را متحد استراتژیک آمریکا در منطقه قلمداد نمود، همچنین ترکیه سال‌هاست با اسرائیل روابط نزدیک برقرار کرده که این مسأله هم از منظر ایران که موجودیت اسرائیل را قبول ندارد، تهدیدی آشکار تلقی می‌گردد.

دولت کنونی نیز با وجودی که سعی کرده است که روابط نزدیک‌تری با کشورهای اسلامی برقرار کند، همچنان به مناسبات خود با آمریکا و اسرائیل به ویژه در زمینه‌های نظامی ادامه می‌دهد و این مسأله کاملاً برخلاف میل نظام جمهوری اسلامی ایران می‌باشد. از سوی دیگر بحث حمایت ایران از گروه‌های اسلام‌گرا و تلاش مستمر ایران برای گسترش مرزهای فکری انقلاب اسلامی نیز یک عامل مهم دیگر می‌باشد که بر روابط دو کشور در جهت منفی اثرگذار بوده است، زیرا ترکیه گروه‌های اسلام‌گرای فعال در منطقه را در مقاطع مختلف تاریخی به عنوان گروه‌هایی تروریستی شناسایی کرده و نگران ایجاد تهدید از سوی این دسته علیه امنیت خود بوده است.

Archive of SID

www.SID.ir

مسأله‌ی هسته‌ای ایران

یکی از مسائل مهم و تأثیرگذار در روابط اخیر ایران و ترکیه مسأله‌ی هسته‌ای ایران بوده است، این بحث هم به عنوان تهدید و هم به عنوان فرصتی در روابط دو کشور مطرح است، ترکیه اگرچه هیچ‌گونه موضع‌گیری جدی‌ای علیه برنامه‌ی هسته‌ای ایران نداشته، اما به طور قطع خواستار وجود یک همسایه‌ی هسته‌ای در مرزهای شرقی‌اش نمی‌باشد. خود ترکیه با توجه به وجود چتر امنیتی ناتو، هرگز در پی دستیابی به سلاح هسته‌ای نبوده لیکن امکان یک رقابت هسته‌ای در منطقه، مسؤلان این کشور را شدیداً نگران می‌کند (Cetinsaya, 2007: 183).

رقابت دو کشور در مناطق آسیای مرکزی، قفقاز و خاورمیانه

مسأله‌ی رقابت دو کشور در مناطقی چون آسیای مرکزی، قفقاز، خاورمیانه و به ویژه شمال عراق عامل دیگری از مجموعه عوامل مشکل‌زا در روابط ایران و ترکیه بوده است، در آسیای مرکزی و قفقاز ترکیه قصد داشته ارزش‌های خود از قبیل؛ دموکراسی پارلمانی، اقتصاد، بازار آزاد و حامیت دولت سکولار بر جامعه‌ای مسلمان را بسط دهد و از این رهگذر به منافعی هنگفت از منابع انرژی کشورهای تازه استقلال یافته و مزایای حمل این منابع دست یابد، که این مسأله قطعاً به افزایش قدرت نسبی این کشور و بهبود موقعیت استراتژیک آن نیز کمک می‌کند. از سوی دیگر ایران هم نیات مشابهی در این مناطق داشته و در عین حال از مزیت جغرافیایی نیز برخوردار می‌باشد، که این مسائل را می‌توان نمودی از تضاد آشکار منافع دو کشور ارزیابی نمود (Aras, 2009: 67).

تأثیر مسأله‌ی کرد بر روابط دو کشور

این مبحث نیز همانند موضوع هسته‌ای، هم می‌تواند به عنوان زمینه‌ای برای همکاری و هم زمینه‌ای برای چالش، شناسایی شود. مسأله‌ی کرد و اتهامات متقابل دو کشور مبنی بر

Archive of SID

www.SID.ir

حمایت طرف مقابل از گروه‌های مخالف کرد، به ویژه ادعاهای مقامات ترکیه تا قبل از آغاز قرن بیست و یک مبنی بر حمایت ایران از پ.ک.ک (P.K.K) تا دوران اخیر همواره از مهمترین عوامل در تضعیف روابط دوجانبه بوده است. اقدامات متعدد ایران علیه پ.ک.ک تا قبل از ۱۹۹۹ هرگز نتوانست دولت ترکیه را قانع کند. در دوره‌ی جدید اگرچه دو کشور همکاری گسترده‌ای را در این زمینه آغاز کرده‌اند، اما امکان برهم خوردن این وضعیت و استفاده‌ی یکی از کشورها از عنصر کرد بعنوان اهرم فشار علیه دیگری همچنان پابرجا می‌باشد (Ibid: 69).

روابط ترکیه و آمریکا و تأثیرآن بر روابط ایران و ترکیه

با حمله ایالات متحده آمریکا به عراق در مارس ۲۰۰۳ در پی حملات یازده سپتامبر ۲۰۰۱، با توجه به درخواست آمریکا از ترکیه مبنی بر اجازه‌ی استفاده از منطقه‌ی مرزی ترکیه به دلیل هم‌مرز بودن با شمال عراق، و همچنین بهره‌گیری از پایگاه‌های ترکیه برای حمله به عراق که با مخالفت ترکیه مواجه شد، روابط ترکیه و آمریکا از این دوران به بعد با توجه به تغییرات ژئوپولتیک، با مشکلات قابل توجهی مواجه شده است. شکی نیست که در شرایط جدید منطقه، واشنگتن و آنکارا جهان‌بینی متفاوتی دارند و منافع خود را ازطریق راه‌های ناهمگونی تعریف می‌کنند. هیچ رویدادی بیشتر از جنگ عراق بر روابط ترکیه و آمریکا تأثیر مخرب نداشته است.

در آن زمان ترکیه نهایت تلاش خود را کرد تا از وقوع جنگ جلوگیری کند اما با شروع جنگ، ترکیه سعی نمود ضمن دوری از تبعات سیاسی منفی، در عین حال زمینه‌ی مناسبی را برای توجیه افکار عمومی منطقه جهت همکاری آتی با آمریکا در عراق به وجود آورد. عبدالله گل طی اظهاراتی گفت: ما در تهاجم به عراق مشارکت نکردیم و از این پس به خاطر منافع ترکیه همگام با آمریکا حرکت خواهیم کرد. هدف ترکیه از چنین

Archive of SID

www.SID.ir

موضع‌گیری این بود که منافع ملی خود را در چند موضوع از جمله حفظ تمامیت ارضی عراق، حقوق ترکمن‌ها، دریافت کمک اقتصادی و مشارکت در بازسازی عراق تضمین کند.

در حال حاضر دو چالش مهم بر روابط ترکیه و آمریکا حاکم است: یکی مسأله‌ی حمایت آمریکا از پ.ک.ک در شمال عراق باعث شده است جامعه‌ی ترکیه به مخالفت با سیاست‌های آمریکا بپردازد؛ دیگری، مطرح شدن لایحه‌ی کشتار ارامنه در کنگره آمریکا به عنوان نسل‌کشی است که با به قدرت رسیدن دموکرات‌ها در کنگره، بسیار جدی‌تر هم شده است. این دو چالش نگرانی‌های زیادی را برای ترکیه ایجادکرده است و آینده‌ی روابط ترکیه و آمریکا را در سایه ابهام قرار داده است (Karakoc, 2009: 57).

در ورای چنین توصیفی، باید گفت که آمریکا و ترکیه روابط مستحکمی در دوره‌ی زمانی پس از تهاجم عراق، به لحاظ منافع مشترک در منطقه دارند. آمریکا و ترکیه به عنوان شرکای استراتژیک بوده و می‌توانند یک راه مشترک را برای نیل به اهداف و منافع‌خود ارائه دهند. برای این منظور دو کشور باید ساز و کارهایی را برای فهم وقایع و پیش‌بینی نتایج ممکن به عنوان بهترین راه‌حل جهت منازعات منطقه در نظر بگیرند.آمریکا سعی دارد با همراه‌سازی ترکیه در خاورمیانه نقش محوری را در حل مسائل مختلف جاری در این منطقه به این کشور بدهد. موضوع پرونده هسته‌ای ایران و دادن نقش به ترکیه در غالب میانجی بین ایران و گروه ۵+۱ از سوی اوباما، یکی از اهداف ایالات متحده در روابطش با ترکیه را هدفمند می‌کند. در این روند ترکیه- همانطوری که در این مقاله ذکر شد- سیاستی دو پهلو را نسبت به مسأله‌ی هسته‌ای ایران در پیش گرفت؛ از یک‌سو از فعالیت صلح‌آمیز هسته‌ای ایران دفاع و آنرا مشروع می‌داند و ازسوی دیگر وجود ایران هسته‌ای را به عنوان خطر و تهدیدی در منطقه تحت عنوان همسایه‌ای که مانع از حرکت ترکیه در آسیای مرکزی و قفقاز و نهایتاً خاورمیانه جهت بسط روابط می‌شود، معرفی می‌کند. به طور کلی آمریکا تلاش دارد تا ایران و شیعیان را به عنوان یک تهدید و آن هم نه تنها برای غرب،

Archive of SID

www.SID.ir

بلکه برای جهان برجسته سازد. جنجال علیه پرونده‌ی هسته‌ای ایران و دخالت دادن ترکیه، اتهام نفوذ و بلعیدن عراق توسط ایران و سپس اتهام دخالت در امور لبنان توسط ایران، در راستای سیاست به جان هم‌اندازی کشورهای مؤثر منطقه از جمله ایران و ترکیه ارزیابی می‌گردد (دیلمقانی، ۱۳۸۷:سایت دیپلماسی ایرانی به آدرس www.iran diplomacy.ir).

فرضیاتی وجود دارد که سیاست آمریکا را در منطقه خنثی می‌سازد:

-ایران و ترکیه دو کشور مسلمان غیرعرب منطقه هستند و عنصر دین به عنوان مهمترین عامل وحدت بخش بین این دو کشور است (انزوای ایران و اختلاف بین سنی در قالب طرح خاورمیانه بزرگ).

-امنیت ایران و ترکیه به یکدیگر گره خورده و هر کدام به دلیل موقعیت ژئوپولتیک و ژئواستراتژیک دنباله‌ی دیگری محسوب می‌شوند.

-عدم تجزیه‌ی عراق و برقراری امنیت و ثبات در این کشور در مرحله‌ی اول برای ترکیه و سپس برای ایران دارای اولویت است.

-آمریکا از مسائل به وجود آمده برای ترکیه، مانند موضوع قبرس، پ.ک.ک و حتی مسأله‌ی کشتار ارامنه، از ترکیه حمایت نکرده است و حتی برای ترکیه نگرانی‌هایی نیز به وجود آورده است (Karakoc, 2009: 30-31).

روابط ترکیه و اسرائیل و تأثیرآن بر روابط ایران و ترکیه

در حالی که روابط ترکیه و اسرائیل در دهه‌ی ۱۹۹۰ به سطح بی‌سابقه‌ای افزایش یافته بود، پس از به قدرت رسیدن حزب اسلام‌گرای عدالت و توسعه در ترکیه، روابط این دو کشور تا حدودی دچار اختلال و افت شد و در مقابل روابط ترکیه با فلسطینیان (و حتی حماس که مورد تحریم دولت‌های غربی واقع شده بود) گسترش یافت. ترکیه به دولت حماس کمک کرد و علی‌رغم مخالفت شدید اسرائیل وزیر خارجه ترکیه با هیأتی از اعضای حماس در ترکیه به مذاکره پرداخت. روابط اسرائیل با کردهای عراق و حمایت این کشور

Archive of SID

www.SID.ir

از فدرالیسم و استقلال کردها، مقامات ترکیه را خشمگین ساخت. نگرانی‌های منطقه‌ای اسرائیل در قبال کشورهای منطقه باعث شده است که این کشور در جستجوی متحدی جدید در منطقه باشد و بهترین گزینه در این خصوص، ایجاد یک دولت مستقل کرد در شمال عراق می‌باشد. در همین راستا اسرائیل با حضور در شمال عراق پس از سقوط صدام، نگرانی‌های ایران و ترکیه را موجب شده است. بنابراین همکاری‌های امنیتی ایران و ترکیه در خاورمیانه، به منظور مقابله با منازعات قومی و اقدامات قدرت‌های فرامنطقه‌ای، دستاوردهای مشترکی را برای دو کشور به همراه دارد.

اسرائیل با توجه به اتحادهایی که با ترکیه از قبل داشت، امتیاز حضور در لبه‌ی مرزهای جمهوری اسلامی ایران را به دست آورد و زمینه‌ی کسب اطلاعات امنیتی برای این کشور قرار گرفت (امیراحمدیان، ۱۳:۱۳۸۸)؛ در نتیجه هزینه‌های دفاعی ایران در مقابله با تهدیدات احتمالی در شمال غرب افزایش یافت. پس از موضع‌گیری ترکیه در جریان اجلاس داووس و ترک این نشست از سوی اردوغان به سبب اعتراض به سخنان اسرائیل در بحبوحه‌ی جنگ غزه و به دنبال آن لغو مانور مشترک نظامی ترکیه با اسرائیل، سبب شده است تا مناسبات آنکارا با کشورهای اسلامی، به ویژه ایران وضعیت جدیدی به خود بگیرد و این موضوع را می‌توان به خوبی در مراودات اخیر، از جمله سفرهای متعدد مقامات دو کشور ایران و ترکیه دید.

نتیجه گیری

به طور کلی در جهان معاصر، توسعه‌ی یک کشور بدون توسعه‌ی همسایگان آن امکان‌پذیر نیست. با توجه به موقعیت ژئوپولتیک و ژئواستراتژیک منطقه‌ی خاورمیانه، همواره چالش‌ها و بحران‌ها یکی از ویژگی‌های جدایی‌ناپذیر آن بوده است که عمدتاً نتیجه و لازمه‌ی حضور قدرت‌های فرامنطقه‌ای می‌باشد. راهکارهای متعددی از قبیل محورها و

Archive of SID

www.SID.ir

کانون‌های توازن منطقه‌ای تا بهره‌گیری از نیروهای فرامنطقه‌ای و ایجاد پایگاه‌های دائمی برای این قدرت‌ها، جهت حل مشکلات منطقه پیشنهاد شده است که نه تنها موفق نبوده‌اند، بلکه موجب پیچیدگی اوضاع نیز شده‌اند.

هیچ راهکاری به اندازه مشارکت راهبردی منطقه‌ای نمی‌تواند واقعیات موجود و راهکار حل بحران را پاسخ دهد. در این راستا تأمین منافع ایران و ترکیه براساس سه عنصر دین، امنیت و اقتصاد، دلیلی بر هم‌سویی و گسترش و در عین حال حفظ روابط دو کشور تلقی می‌شود. ایران و ترکیه به عنوان دو قدرت بزرگ منطقه و جهان اسلام، نقش مؤثر و پیشتاز را در حفظ ثبات و وحدت جهان اسلام و منطقه‌ی خاورمیانه ایفا می‌کنند. دولت اسلام‌گرای ترکیه با اتخاذ یک سیاست چند وجهی، در این مسیر حرکت می‌کند که ضمن داشتن روابط خوب و گسترده با آمریکا، اروپا و وناتو، علاقه‌مند است روابط خود را با ایران گسترش دهد و در حال حاضر با توجه به چنین دیدگاهی طرفین توجه ویژه‌ای به اعتمادسازی مبذول داشته و زمینه‌های سیاسی، اقتصادی و فرهنگی برای گسترش همکاری دوطرفه بیش از گذشته به وجود آمده است. دولت اسلام‌گرای ترکیه براساس سیاست خارجی خود- از قبیل همکاری با کشورهای اسلامی، اهمیت به مقوله‌ی انرژی و توجه بیشتر به اوراسیا- ضمن گسترش روابط با ایران و ترکیه همزمان به ایده‌های آمریکایی و بسط روابط ایران و ترکیه، توجه ویژه دارد.

از سویی دیگر باید اذعان داشت که در حال حاضر روابط ایران و ترکیه در حال افزایش است. در حالی که ترکیه تمایلی به قدرت‌گیری ایران در منطقه ندارد و می‌خواهد جایگاه خود را همچنان بلامنازع حفظ کند، اما در عین حال به ایران نیاز دارد زیرا ایران از شرکای مهم تجاری و اقتصادی ترکیه است و نیازهای انرژی ترکیه را برآورده می‌سازد. ترکیه سعی دارد از این طریق در مناسبات و مراودات منطقه‌ای حضور داشته باشد و از این جهت به نفع این کشور است که در خاورمیانه از همسایگی با کشورهایی چون ایران بهره

Archive of SID

www.SID.ir

ببرد. آنکارا در سیاست نگاه به شرق، برای تقویت جایگاه خود در خاورمیانه استفاده می‌کند و شاید با این ابتکار عمل درصدد است به اتحادیه اروپا نشان دهد که کشوری تأثیرگذار در منطقه است و بر این اساس عضویت ترکیه در این اتحادیه می‌تواند حلقه‌ی ارتباطی مناسبی میان اروپا و آسیا و به ویژه خاورمیانه باشد. این تلاش‌ها و سیاست‌های ترکیه بسیار مثبت است، اما چندان به نفع ایران نیست چرا که ترکیه در معادلات منطقه‌ای سعی دارد، جایگاه از دست رفته‌ی ایران را به دست آورد، آنچه که ترکیه در این معادلات کسب می‌کند، منافعی است که ایران می‌توانست نصیب خود کند؛ که اکنون عاید ترکیه می‌شود.

منابع

۱. امیراحمدیان، بهرام. سیاست‌های منطقه‌ای ترکیه در قفقاز و تعامل با ایران، تهران، **دوماهنامه تحولات ایران و اوراسیا**، شماره ۲۵، ۱۳۸۸.

۲. برزگر، کیهان. **ایران، عراق و نظام امنیت منطقه‌ای**، تهران، مرکز تحقیقات استراتژیک مجمع تشخیص مصلحت نظام، ۱۳۸۷.

۳. بوزان، باری. **مردم، دولت‌ها و هراس**، تهران، پژوهشکده مطالعات راهبردی، ۱۳۷۸.

۴. دیلمقانی، آرزو. دیپلماسی ایرانی، تیرماه، سایت**www.Iran Diplomacy.ir** ، ۱۳۸۷.

۵. رضازاده، سخاوت. **استراتژی خاورمیانه‌ای ترکیه و محدودیت‌های و مطلوبیت‌های ایران**، تهران، مرکز تحقیقات استراتژیک مجمع تشخیص مصلحت نظام، ۱۳۸۶.

۶. سایت تخصصی روابط بین‌الملل و مطالعات منطقه‌ای، **www://h-hemmati.blogfa.com**، ۱۳۸۹.

۷. قهرمان‌پور، رحمن. روابط اقتصادی ایران و ترکیه در گرو روابط سیاسی، **سایت آفتاب نیوز www.AftabNews.ir**، ۱۳۸۵.

Archive of SID

www.SID.ir

۸. کاکائی، عباس. سیاست خارجی ترکیه در خاورمیانه (مطالعه موردی عراق۱۹۹۱–۲۰۰۸)، تهران، **پایان‌نامه کارشناسی ارشد روابط بین‌الملل** ، ۱۳۸۷.

۹. واعظی، محمود. تجربه جدید در ترکیه: تقابل گفتمان‌ها، تهران، **فصلنامه راهبرد**، شماره ۴۷، ۱۳۸۷.

10. Aras. Bulent & Biakarakayad Plot. Turkey &Middle East, Frontiers of The Neo Geographic Imagination, **Australian Journal of International Relations**, vol 67, 2009.
11. Aras.Bulent. Turkish Foreign Policy towards Iran, Ideology & Foreign Policy, In **Journal of Third World Studies**, 2003.
12. Cetinsaya, Gokhan. Turkish – Iranian Relations since the Revolution, **Turkish Review of Middle East Studies**, vol 26, 2007.
13. Daphne, McCurdy. Turkish – Iranian Relations, When Opposites Attract **Turkish Policy Quarterly** Volume 7 Number 2, 2009.
14. Flanagan, Stephen J & Brannen, Samuel J. Turkey's Shifting Dynamics Implications for U.S.-Turkey Relations, 2008.
15. Gareth M. Winrow. Possible Consequenes of a New Geopolitical Game in Eurasia on Turkey as an Emerging Energy Transport HUB, 2007.
16. Karakoc, Abdullah. Turkey's Relations with Iran & the United States, A Shift in Alignment? March, 2009.
17. Keskin, Aref. Iran-Turkey Relations، **Strategic Analyse**, vol 9, 2008.
18. Onis, Ziya. **Turkish Politics in a Changing World Global Dynamics and Domestic Transformations**, University Press, 2007.
19. Semih, Idiz. Lebanon & Palestine, www.Trt -World.Com, 2009.

Archive of SID

www.SID.ir